

معنای فضای شهری در دو طیف مسلمان و یهودی*

تاریخ دریافت: ۹۱/۹/۱۹
تاریخ پذیرش نهایی: ۹۲/۳/۱۲

محمود قلعه‌نویی** - مجید صالحی‌نیا*** - سپیده پیمانفر****

چکیده

بحران مکان به مفهوم بحران معنی اجتماعی از فضا و زمان، از بارزترین مشکلات شهرسازی معاصر است. بحرانی که در ایجاد فضاهای شهری فاقد هویت، فاقد تاریخ و ارتباط تبلور یافته است. معنا هم مولود واقعیت مادی و هم، زاده ذهن فرد است و دین به عنوان یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های سازنده اسکیمای فرد در ادراک و معناداری به فضاهای شهری نقشی مؤثر ایفا می‌کند. این پژوهش پس از تدوین چارچوب نظری به وجوه افتراق یا اشتراک معنای فضای شهری در دو طیف مسلمان و یهودی می‌پردازد؛ تا فرضیه پژوهش را مبنی بر اینکه معنای دریافت شده از فضای شهری در دو طیف مسلمان و یهودی با هم تفاوت‌هایی دارند را مورد سنجش قرار دهد. به این منظور، محله جوباره اصفهان که از دیرباز محل همزیستی مسلمانان و یهودیان بوده، انتخاب شد. پژوهش میدانی با آزمون افتراق معنایی و با تکنیک حضور در محل، صورت گرفت. در آزمون افتراق معنایی از کلمات که معمولاً صفات دوقطبی هستند، برای درک و شناخت معنای تداعی شده استفاده می‌شود. داده‌های به دست آمده در این مرحله به شیوه آمار توصیفی (نمودار صفات دوقطبی) و آمار استنباطی (آزمون من-ویتنی) با نرم افزار SPSS 19 تجزیه و تحلیل شده اند.

نتایج زیر از پژوهش نظری و میدانی استنتاج شد:

- بین دین و معنای فضای شهری ادراک شده در حالت کلی (مجموع جزء فضاها) رابطه معناداری دیده نشد، اما در مورد جزء فضاها، تأثیر مؤلفه دین بر معنای ادراک شده، قابل توجه بود.
- طیف یهودی غالباً جزء فضاهای شهری را پویا، زشت و تکراری ادراک نمودند و فقط به کانون‌هایی متعلق به اجتماع یهودیان مانند فضای اطراف کنیسه‌ها علاقه نشان دادند.
- مسلمانان جزء فضاهای شهری مورد مطالعه را دارای احساس سکون، زیبا و متنوع دانستند و دلبستگی بیشتری به فضاهای شهری چون پارک و بازار، نشان دادند.

واژگان کلیدی: معنا، فضای شهری، مسلمان، یهودی، جوباره.

* این مقاله برگرفته از بخشی از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده سوم، تحت عنوان «طراحی فضای شهری جوباره اصفهان؛ براساس درک معنای محیط در دو طیف مسلمان و یهودی» با راهنمایی دکتر محمود قلعه‌نویی و دکتر مجید صالحی‌نیا در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اصفهان می‌باشد، که در شهریور ماه ۹۱ دفاع شده است.

** استادیار شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

*** استادیار معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

**** کارشناس ارشد طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).

مقدمه

از سال های ۱۹۷۰ میلادی به بعد با پیدایش گرایش های انسان گرایانه در نظریات طراحی محیط که بر نقش فرهنگ در ادراک فضای شهری تأکید دارند، بحث معنای محیط با اقبال بسیار صاحب نظران مواجه شده است. اما اگر نیک بنگریم می بینیم علیرغم بها دادن به انسان و نیازهای او و پرداختن به کیفیت ها در مباحث نظری طراحی، همچنان شهر و فضاهای شهری با شهروندان نامهربان است. این فضاها به گذرگاه هایی بدل گشته اند که فقط امکان رفت و آمد افراد از محل کار به خانه را فراهم می آورند. عدم پرداختن به جنبه های کیفی در حمایت از توقعات روانی انسان در طراحی ها موجب می شود تا مکان هایی بی هویت و بی معنا به وجود آید. البته این رویکرد در یک جامعه با چند خرده فرهنگ، شکلی جدی تر به خود می گیرد. زیرا در چنین جامعه ای افراد و گروه ها در تلاش اند تا نشانه ها و نمادهای هویت خود را نمایش دهند. گاهی این امر می تواند به عنوان ادعایی برای تملک قلمرو تصور شود، که سبب نگرانی دیگران شده و تفکیک اجتماعی را تشدید نماید.

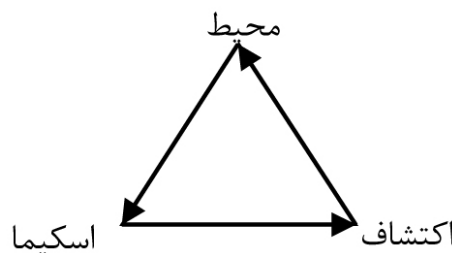
این پژوهش قصد داشته تا بر پایه نظریه های معنای محیط، ادراک معنای فضای شهری، توسط استفاده کنندگانی که پیرو دو دین آسمانی می باشند را با یکدیگر مقایسه و وجوه افتراق و اشتراک معنایی آن ها را استخراج نماید، تا از رهگذر نتایج این پژوهش، مدیران و مداخله گران کالبدی محیط، بتوانند مداخلات خود را منطبق بر ادراک باشندگان و با تفکر دینی منحصر به خود، استوار سازند و از این طریق، تعلق مکانی، ریشه دارتر و مهاجرت ها کمتر صورت پذیرد. محله جوباره، یکی از محله های قدیمی شهر اصفهان است که شکل گیری کالبد و فضای شهری آن، منتج از همنشینی دو طیف مسلمان و یهودی بوده است. این فضای شهری به منظور مطالعات میدانی این پژوهش، از حیث آزمون تأثیر مؤلفه دین، بر ادراک معنای محیط، انتخاب شد. فرضیه این پژوهش آن است که معنای دریافت شده از فضای شهری در دو طیف مسلمان و یهودی با هم تفاوت هایی دارند.

۱. پیشینه پژوهش

۱-۱- معنای مکان

معنای مکان، تبلور زمینه های روانشناسی درونی اشخاص، مسائل شخصی آن ها و راه های خاص «بودن در این جهان» است (Jabareen, 2009, p. 93). رلف (1976)، در اثر مهم خود با عنوان مکان و بی مکانی، سه مؤلفه مکان را شناسایی کرده است؛ ساختار کالبدی، فعالیت و معنا. او معتقد است در بین این سه مؤلفه معنا از همه دست نیافتنی تر بوده و اهمیت حیاتی دارد (Tuan, 1977). تقریباً در همین زمان، کانتر (1977) مدل سه بخشی مشابهی برگرفته از مطالعات روانشناختی برای مکان پیشنهاد داد. براساس این مدل مکان ناشی از تعامل سه مؤلفه ویژگی های کالبدی، فعالیت ها و مفاهیم است. اگرچه کانتر مدعی بود که تأثیر ویژگی های کالبدی بر رفتار از اهمیت بیشتری برخوردار است، اما او همواره خاطر نشان کرده است که معنای استنباط شده از مکان ها متفاوتند. بنابراین لازم است مکان از دید کاربرش در نظر گرفته شود. اخیراً کانتر (1997) نظریه ۳ بخشی خود را توسعه داده و چهار مؤلفه را برای مکان در نظر گرفته است: رویکردهای طراحی^۱؛ تمایز عملکردی^۲؛ اهداف مکان^۳ و مقیاس تعاملات^۴. در این مدل به غیر از مؤلفه مقیاس تعاملات که اشاره به اهمیت مقیاس زیست محیطی دارد، سه مؤلفه اول، به ترتیب با مدل قبلی اش سازگار است (Canter, 2000). مدل معنای مکان ارائه شده توسط نایسر (1977)، نقش اسکیماس^۵ یا طرحواره ذهنی و قابلیت های محیط را در فرآیند ادراک نشان می دهد. بنابراین او معنا را نیز از ویژگی های اسکیماس می داند و اعتقاد دارد که آنچه در خاطر و ذهن باقی می ماند، شیء، صحنه و رویدادی است که با نقش هدایت کنندگی اسکیماس ادراک شده و اسکیماس به نوعی درگیر استفاده و یا اصلاح شده است (Neisser, 1977).

نمودار ۱: چرخه معنا دهی و درک محیط توسط اولریخ نایسر



(Neisser, 1977)

مدل مکان دیگری با تفاوت های جزئی توسط آگنو تهیه شده است. او در راستای تحقیق درباره اینکه مفهوم مکان در علوم اجتماعی چطور به کار می رود، سه عنصر اصلی را یافت: قرارگاه^۶، زمینه‌ای که در آن روابط اجتماعی شکل می گیرد (که ممکن است رسمی یا غیررسمی باشد)؛ محل^۷، محیط جغرافیایی که شامل زمینه‌ای برای تعاملات اجتماعی است و حس مکان^۸ (Agnew, 1987, p. 28). در بسیاری از تحقیقات یکی از این سه مؤلفه دارای اهمیت بیشتری است. باین وجود، آگنو معتقد است، به منظور دریافت معنای مکان، این سه مؤلفه باید در تعامل با هم قرار گیرند. بنابراین مکان های با معنا در یک بستر اجتماعی، از طریق روابط اجتماعی، در یک محیط جغرافیایی شکل می گیرند و به اشخاص، حس مکان و هویت می دهند (Gustafson, 2001, p. 6).

۲-۱- سطوح معنا

برخی صاحب نظران در خصوص سطوح معنا نظریاتی بیان کرده اند. بارتز، ساوایا و پراگر (2001)، ۴ سطح عمق که تجارب معنا می توانند دسته بندی شوند را این طور معرفی می کنند: سطح اول، تمایل شخصی با خشنودی لذت جویانه و راحتی؛ سطح دوم، اختصاص زمان و انرژی به تشخیص پتانسیل های شخصی؛ سطح سوم، ارائه خدمات به دیگران و تعهد به اجتماع بزرگتر و اهداف سیاسی و سطح چهارم، ارزش هایی که آرمان های شخصی را پیش می برد و معانی ماورایی و اهداف نهایی را شامل می شود (Bar-Ture et al., 2001, p. 255). بنابر نظر رابرت هرشبرگر، معانی شامل دو سطح اصلی بازنمایی یا ابژکتیو و واکنشی یا سوژکتیو هستند، که هر یک زیرمجموعه هایی دارند:

جدول ۱: سطوح معنا از نظر رابرت هرشبرگر

در این حالت ادراک کننده فرم شکل را از زمینه اش جدا می کند. شکلش، بافتش، رنگش و ... را می بیند، و از ویژگی ها و کیفیات اشیا یا وقایع آگاه می شود.	۱- معنای عرضه ای ^{۱۱}	معنای بازنمایی ^۹ (ابژکتیو)
برخی از فرم ها به غیر از خودشان در خصوص بازنمایی های ذهنی، بسیار مهم هستند، به عنوان مثال ویژگی های مختلف «در» شامل اندازه، شکل، رنگ و بافت، در ناظر ایده های مختلفی راجع به شخصیت معماری که آن را طراحی کرده و با نگرش نسبت به صاحبش ایجاد خواهد کرد.	۲- معنای ارجاعی ^{۱۲} (عملکردی)	
هنگامی که بازنمایی های ادراک کننده شکل گرفته، خواه از شیء محرک یا رویداد و یا هردو، خاطرات، اهداف و ارزشهای شخص وارد می شوند و او معمولاً پاسخ های درونی مضاعفی در ارتباط با بازنمایی هایش دارد. معنای عاطفی یک پاسخ آموخته شده براساس تجربه است، برخلاف پاسخ های خودکار مانند عرق ریزی در اتاق گرم و گشادگی مردمک در اتاق تاریک.	۳- معنای عاطفی ^{۱۳}	معنای واکنشی ^{۱۰} (سوژکتیو)
معنای ارزیابی، با نگرش انتقادی انسان و ایده های او در مورد معماری و نه با احساسات و عواطف فوری، نسبت به آن سروکار دارد. شخص ممکن است به یک ساختمان نگاه کند از بازنمایی هایش در مورد آن، هیجان زده و حتی خوشحال شود، اما نتیجه گیری او در نهایت این باشد که واقعا ساختمان خسته کننده و نامطلوبی است.	۴- معنای ارزیابی ^{۱۴}	
در این حالت هم بازنمودهای شخص و هم اثراتشان مورد ارزیابی قرار می گیرد و او تصمیم می گیرد چه باید بکند.	۵- معنای تجویزی ^{۱۵}	

(Hershberger, 1970, pp. 45-47)

گیسون شکل گیری معنا را در شش سطح مختلف می داند: معنای اولیه و ملموس، معنای کاربردی، معنای ابزاری و ماشینی، معنای ارزشی و احساسی چیزها، معنا در سطح نشانه ها و معنا در سطح نمادها. معنای اولیه و ملموس تقریباً مشابه معنای عرضه ای؛ معنا در سطح نمادها مشابه سطح ارجاعی؛ و معنای ارزشی و احساسی، مشابه معنای ارزیابی هرشبرگر می باشد (Lang, 2011, p. 108). معنای شکل شهر شامل مدارجی از: ادراک، شناسایی (بازشناسی و تمایز)، برقراری پیوند بین عناصر و اجزای آن، برقراری ارتباط و پیوند بین شکل شهر و فعالیت های شهر، برقراری پیوند با رویدادها، ارتباط با مفاهیم غیرفضایی و ارزش ها می باشد (Habib, 2006, p. 9).

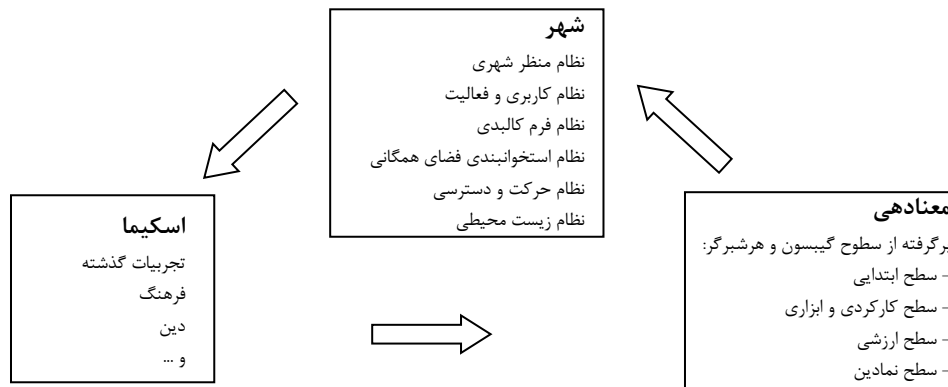
۳-۱- مروری بر پژوهش های مشابه در حوزه معنای مکان

در سال ۲۰۰۱، پژوهشی به منظور سنجش منابع معنا در زندگی انجام شد. نمونه مناسبی شامل ۳۶۲ نفر، نماینده ۸ گروه مختلف در فلسطین اشغالی: مذهب (مسلمان/ یهودی)، سن (پیر/ جوان)، جنسیت (مرد/ زن) در نظر گرفته شد. ۱۱ شاخص تدوین شد، تا تأثیر هر یک از مولفه‌های بالادر آن ارزیابی شود. در نهایت این نتیجه به دست آمد که مؤلفه مذهب، نسبت به ۲ مؤلفه دیگر تأثیرگذارتر است (Bar-Ture et al., 2001). به منظور کشف معنای مکان برای ساکنان سوئد غربی، پژوهشی توسط مصاحبه با افراد صورت گرفت. در انتها به این نتیجه رسید که معنای نسبت داده شده به یک مکان حول سه نقطه «شخص»، «دیگران» و «محیط زیست» می‌چرخد (Gustafson, 2001). سال ۲۰۰۳ در حیفا، پژوهشی به منظور دستیابی به معنای مکان و تأثیر دو مؤلفه خطر و اعتماد بر آن، در بین دو گروه مسلمان و یهودی ساکن در آنجا انجام گرفت. جمع‌آوری اطلاعات بر پایه پرسشنامه بود، که در نهایت این معنای به مکان نسبت داده شد: مکان اعتماد بین گروه‌های قومی، امنیت، کیفیت سطح بالا و دوستی. مسلمانان ۴ معنای مجزای دیگر را نیز پیشنهاد دادند: خصوصی بودن، اعتماد بین اعضای گروهشان، مکان فعالیت‌های مشترک فرهنگی. یهودیان شرکت‌کننده، معنای «مکانی برای یک طبقه خاص» را نیز در نظر گرفتند (Jabareen, 2009). در پژوهشی دیگر، مانزو به منظور کشف معنای مکان، بر تجارب مردم متمرکز شد. مصاحبه‌هایی با ۴۰ نفر از شرکت‌کنندگان در نیویورک انجام داد. در نهایت به این نتیجه رسید که مکان‌هایی که مردم آن‌ها را بامعنی ادراک می‌کنند، غیرمعمول نیستند بلکه آن‌ها مکان‌های معمولی‌ای هستند که در زندگی روزمره تجربه می‌شوند. او از داستان‌های مردم درباره تجاربشان از مکان، این تیتراها را استنباط کرد: انعکاس هویت افراد، فرصتی برای خلوت، درون‌بینی و غیره (Manzo, 2005). پژوهشی دیگر، به منظور نقش معماری در تداعی معنای و انتقال مفاهیم با تکیه بر معماری مسجد، انجام شد. نتایج این پژوهش که توسط آزمون افتراق معنایی به دست آمد، نشان داد که دو تیپ معماری سنتی و نوآورانه برای استفاده‌کنندگان قابل تشخیص بوده و در غالب موارد، به استثنای استفاده‌کنندگان جوان، معماری سنتی بیش از معماری نوآورانه مورد پسند قرار گرفته است (Rezazadeh, 2004).

۲. چارچوب نظری پژوهش

به منظور دستیابی به معنای فضای شهری، چارچوب نظری، مطابق نمودار ۲، تدوین شده است.

نمودار ۲: چارچوب نظری «معنای فضای شهری»



۳. روش پژوهش

به منظور اثبات چارچوب تدوین شده، از بین انواع روش‌ها در علم روانشناسی، روش پژوهش میدانی با تکنیک حضور در محل^{۱۶}، استفاده شد. به منظور سنجش معنا، از آزمون افتراق معنایی^{۱۷} و در تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، از آمار توصیفی (نمودار صفات دو قطبی^{۱۸}) و آمار استنباطی (آزمون من-ویتنی^{۱۹}) بهره گرفته شده است. پژوهش حاضر از نوع علی-مقایسه‌ای^{۲۰} است که با توجه به متغیر وابسته، به بررسی علل احتمالی وقوع آن می‌پردازد. در پژوهش حاضر درک معنای محیط، به عنوان متغیر وابسته مورد بررسی قرار گرفته است. در مورد متغیرهای مستقل، تمرکز این مطالعه بر تفاوت دین ساکنان خواهد بود. هرچند سعی شده است که در بین پاسخگویان در هر دو گروه یهودی و مسلمان، ترکیب سنی و جنسی همگن، رعایت شود.

۳-۱- آزمون افتراق معنایی

اوزگود و همکاران^{۲۱} وی (۱۹۵۷) برای نخستین بار مسأله سنجش معنا را با استفاده از روش‌های علمی مطرح نمودند. این پژوهشگران تکنیک افتراق معنایی را به عنوان روشی برای سنجش معانی مطرح کردند. در این روش از کلمات برای درک و شناخت معانی تداعی شده استفاده می‌شود. در چنین مواردی میزان دانش و فرهنگ لغات شخص پاسخ‌دهنده در وسعت پاسخ‌ها مؤثر است. روش افتراق معنایی برای رفع این معضل، از پاسخ‌دهنده می‌خواهد تا ادراک و احساس خود را براساس کلمات از پیش تعیین شده‌ای بیان نماید. معمولاً این کلمات صفات دو قطبی بوده و دو حالت مقابل هم را بیان می‌کنند. عموماً برای قضاوت میان کلماتی متضاد و مقابل هم، استفاده از مقیاس لیکرت^{۲۲} پیشنهاد شده است. در این صورت باید تعداد گزینه‌ها فرد باشد تا امکان گزینش خنثی را فراهم آورد (Rezazadeh, 2004, p. 41).

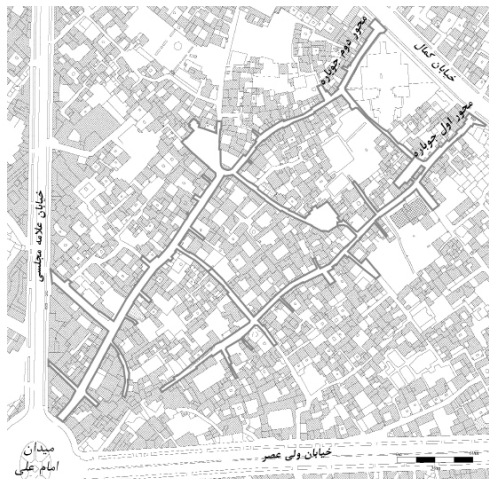
۴. مطالعه موردی

به منظور آزمون فرضیه و دستیابی به وجوه افتراق یا اشتراک معنای محیط در دو گروه مسلمان و یهودی، محله جوباره اصفهان که سابقه همنشینی این دو گروه دینی در آن وجود داشت، مناسب تشخیص داده شد.

۴-۱- معرفی محدوده مورد مطالعه

محور دوم جوباره اصفهان، حدفاصل خیابان کمال و میدان امام علی، با مساحتی حدود ۶ هکتار در شمال شرقی اصفهان، واقع است. همانطور که در شکل ۱ دیده می‌شود، ساختار شعاعی کل محله دارای یک رشته شبکه معابر شعاعی متحد مرکز است. هر کدام لایه‌ای از محله جوباره را در بر گرفته است. در نیم‌ساز این قطاع محورهای مزدوج جوباره وجود دارد که علاوه بر نقش ستون فقرات، به نوعی رابط بین خطوط متحد مرکز فوق هم تلقی می‌شود (Renovation and Rehabilitation Organization of Isfahan, 2000, p. 3). این محله علاوه بر مجاورت با مسجد جامع اصفهان، از گذشته‌های دور تاکنون محل همزیستی مسلمانان و یهودیان اصفهان نیز می‌باشد. هرچند در حال حاضر اغلب یهودیان از محله مهاجرت نموده و ۹۵ درصد ساکنان، مسلمان و تقریباً ۵ درصد، یهودی در محله ساکن هستند (Momeni et al., 2011, p. 44).

شکل ۱: محور دوم جوباره و محدوده اطراف



(Renovation and Rehabilitation Organization of Isfahan, 2012)

۲-۴- پژوهش میدانی

به منظور اخذ پرسشنامه‌ها، نمونه‌گیری از بین مسلمانان و یهودیان ساکن در جوپاره، به شیوه تصادفی انجام شد. حجم نمونه از فرمول مربوطه^{۲۳} محاسبه شد. به منظور به دست آوردن واریانس، یک پیش نمونه با اندازه ۱۰ نفر گرفته شد، که براساس آن واریانس برابر ۱/۰۴ به دست آمد. با در نظر گرفتن e برابر با ۰/۲ و با خطای قابل قبول ۰/۰۵ و Z برابر با ۱/۹۶ تعداد اعضای نمونه، ۱۰۰ نفر، به دست آمد، که پرسشنامه از بین ۵۰ یهودی و ۵۰ مسلمان جمع‌آوری شد. در استفاده از روش افتراق معنایی، ۵ فضای مختلف در محله که واجد ویژگی‌های شاخص و منحصر به فرد فضایی بودند، انتخاب شد. برای دستیابی علمی به این ۵ فضا، ابتدا با جمع‌آوری ۱۰ نقشه ذهنی^{۲۴} متعلق به ساکنان یهودی و مسلمان، فضاهایی را که آنان به کرات و به صورت مشترک در نقشه‌های ذهنی خود بیان کرده بودند، شناسایی شدند. برای هر یک از فضاها، صفات موجود در جدول ۲ توسط پژوهشگر برای پرسش‌شوندگان توضیح داده شده و در جدول علامت زده شد. به عنوان مثال در خصوص صفت (پویا-سکون)، از آن‌ها پرسیده شد که در این محل خاص دوست دارند کمی درنگ کنند یا سریع آن محل را ترک می‌کنند؟ (این فرآیند برای هر یک از اعضای مورد پرسش به صورت مجزا انجام شد). به منظور تبدیل مقیاس اسمی به مقیاس ترتیبی، صفات مورد بررسی مطابق جدول، از سمت چپ به راست به ترتیب با اعداد ۱ تا ۵ شماره‌گذاری شدند. در نهایت نتیجه به دست آمده در نمودار صفات دوقطبی آورده شده است. هرچه اعداد به ۱ نزدیکتر بوده نشانه مطلوبیت و هرچه به ۵ نزدیکتر شده نشانه عدم مطلوبیت است (هر چند این قضیه در مورد همه صفات قطعی نیست و به عنوان مثال در مورد (آرامش-هیجان)، نزدیکی به عدد ۵ لزوماً به معنی نامطلوب بودن نیست و بسته به مکان مورد نظر باید مورد تحلیل قرار گیرد).

شکل ۳: فضای دوم، پارک کمال



شکل ۵: محور دوم جوپاره اصفهان و عناصر شاخص آن



شکل ۷: فضای پنجم، بازارچه کمرزین



شکل ۲: فضای اول، فضای روبه روی کنیسه ملاری، جماعتی، بزرگ



شکل ۴: فضای سوم، کوچه کنار سه راه ماهی فروش ها



شکل ۶: فضای چهارم، سه راه ماهی فروش ها



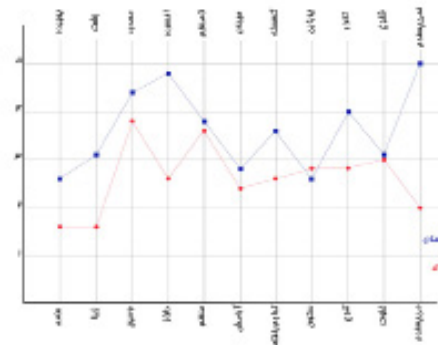
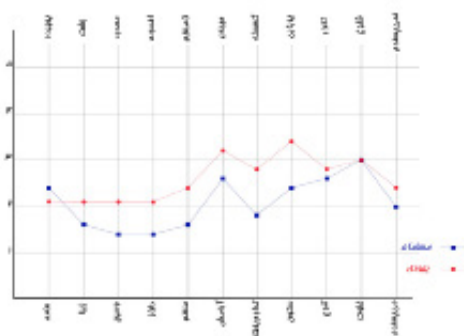
جدول ۲: یک نمونه از جدول صفات دو قطبی

	۱	۲	۳	۴	۵	
	زیاد	کم	ممتنع	کم	زیاد	
ساده						پیچیده
زیبا						زشت
وسیع						محدود
دلپذیر						افسرده
منظم						نامنظم
آرامش						هیجان
تداوم یافته						گسسته
سکون						پویایی
تنوع						تکرار
می‌پسندم						نمی‌پسندم
خلوت						شلوغ

۳-۴- تحلیل معنای فضاهای شهری با روش آمار توصیفی

در اینجا پس از جمع‌بندی جداول به دست آمده، با روش آمار توصیفی و با استفاده از نمودارهای خطی، فراوانی صفات دو قطبی جمع‌آوری شده در دو طیف یهودی و مسلمان، مورد ارزیابی قرار گرفتند. در نهایت یک نمودار مشترک و جمع‌بندی شده از کل ۵ فضا تهیه شد.

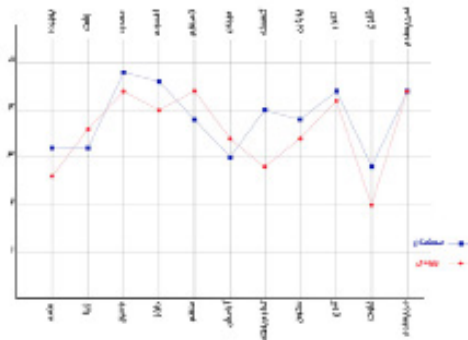
نمودار ۳: نمودار خطی مقایسه صفات دو قطبی فضای اول نمودار ۴: نمودار خطی مقایسه صفات دو قطبی فضای دوم



از آنجا که نظر مسلمانان نسبت به این فضا مثبت و یهودیان تا حدودی به سمت ممتنع میل می‌کند، می‌توان نتیجه گرفت که مسلمانان نسبت به یهودیان، علاقه بیشتری به فضاهای تفریحی و گذران اوقات فراغت دارند. از نظر مسلمانان این فضا با معانی چون وسیع، دلپذیر، دارای آرامش و احساس سکون همراه است. ولی از نظر یهودیان، این فضا دارای احساس هیجان می‌باشد و پویاست.

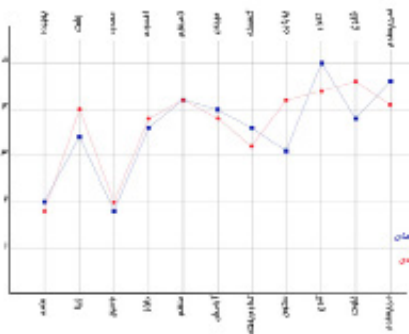
با توجه به اینکه نظر مسلمانان بالای خط افقی شماره ۳ و نظر یهودیان اکثراً زیر این خط می‌باشد، می‌توان اینطور نتیجه گرفت که این فضا، بنابر نظر مسلمانان نامطلوب و از نظر یهودیان مطلوب می‌باشد. این امر می‌تواند از تعلق دینی یهودیان به این فضا نشأت گرفته باشد. مسلمانان، معنای فضایی آن را با کلماتی چون افسرده، ساده و تکراری بیان کردند. یهودیان، با کلماتی چون زیبا، ساده و متنوع ارزیابی نمودند و هر دو معتقدند این فضا محدود و نامنظم است.

نمودار ۵: نمودار خطی مقایسه صفات دوقطبی فضای سوم



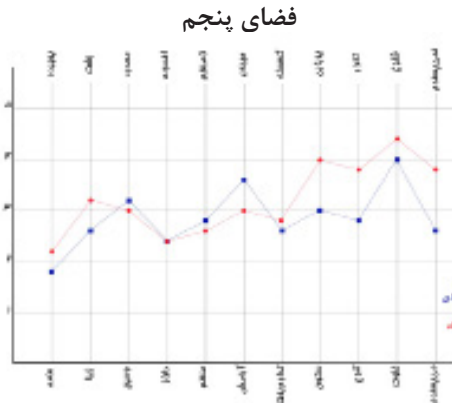
معنای دریافت‌شده مسلمانان و یهودیان از این فضا تقریباً مشترک است، و از آنجا که اکثر نظرات بالای خط افقی شماره ۳ می‌باشد می‌توان نتیجه گرفت، هر دو طیف این فضا را فضایی نامطلوب می‌دانند و آن را نمی‌پسندند. مسلمانان، معنای این فضا را با شاخصه‌هایی چون محدود، افسرده، تکراری و خلوت، و یهودیان آن را نامنظم، محدود و تکراری بیان نمودند.

نمودار ۶: نمودار خطی مقایسه صفات دوقطبی فضای چهارم



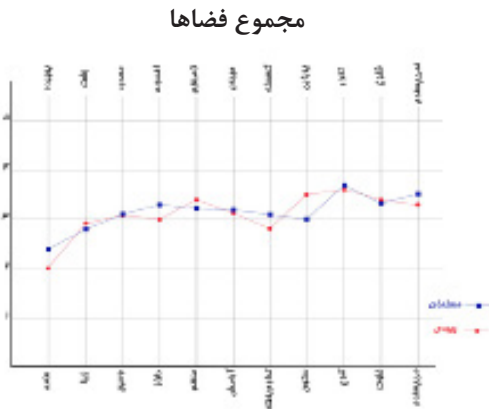
اکثر نظرات بالای خط افقی شماره ۳ (ممتنع) قرار گرفته است که نشان‌دهنده نامطلوب بودن این فضا در نظر ساکنان می‌باشد. نمودارها تقریباً برهم منطبق است که نشان از توافق دو گروه در مورد معنای درک شده از آن دارد. معنای این فضا با شاخصه‌هایی چون شلوغ، تکراری، پویا، نامنظم، زشت، وسیع و ساده شناخته شده است.

نمودار ۷: نمودار خطی مقایسه صفات دوقطبی فضای پنجم



پاسخ‌های داده شده درباره این فضا، نکته مطرح شده در معنای فضای دوم را مبنی بر اینکه «یهودیان چندان علاقه‌ای به فضاهای جمعی ندارند» را قوت می‌بخشد. تفاوت عمده در معنای ادراک شده بین دو گروه از آنجا دیده می‌شود که مسلمانان، آن را دارای احساس مکث، زیبا و متنوع، و یهودیان آن را فضایی پویا، زشت و تکراری می‌دانند.

نمودار ۸: نمودار خطی مقایسه صفات دوقطبی مجموع فضاها



نظرات کلی مربوط به مسلمانان و یهودیان تقریباً بر هم منطبق است. چون اکثر نظرات بالای خط شماره ۳ می‌باشد، روی هم رفته معنای این محور، بنابر نظر هر دو گروه مثبت ارزیابی نشده است.

به طور کلی، فضاهای دوم و پنجم-پارک و بازار- از نظر مسلمانان با معنای مثبتی چون دل‌باز، دارای احساس سکون، زیبا و متنوع همراه است که نشان از تعلق خاطر مسلمانان به فضاهای تفریحی و گذران اوقات فراغت دارد، درحالی که این دل‌بستگی در بین یهودیان دیده نمی‌شود. تفاوت معنای دریافت شده از فضای اول، نشان از تعلق خاطر یهودیان به کانون‌های متعلق به اجتماع یهود، که در اینجا فضای اطراف کنیسه‌هاست می‌باشد. هر چند معنای نسبت داده شده دارای وجوه اشتراکی بوده‌اند که در مورد فضاهای سوم و چهارم دیده شد.

۴-۴- تحلیل معنای فضاها شهری با روش آمار استنباطی (آزمون من- ویتنی)

در این مرحله به منظور ارزیابی دقیق تر، داده های به دست آمده از پژوهش میدانی با روش آمار استنباطی و با استفاده از نرم افزار SPSS 19 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. به این منظور صفات، تحت عنوان ۶ مؤلفه، که همان نظام های شهر هستند، به شکلی که در جدول ۳ آمده است، دسته بندی شدند. با استفاده از آزمون ناپارامتری من-ویتنی هر یک از مؤلفه ها بین مسلمانان و یهودیان مقایسه شد. بر اساس جدول ۴، در صورتی اختلاف میانگین هر شش مؤلفه و در حالت کلی (مجموع ۶ مؤلفه)، بین مسلمانان و یهودیان معنادار است که مقدار سطح معنی داری این آزمون ها کوچک تر از ۰/۰۵ باشد (P-VALUE<0/05).

جدول ۳: صفات قرار گرفته زیر عنوان هر مؤلفه

مؤلفه ۱	نظام کاربری و فعالیت	(تکرار-تنوع)، (منظم-نامنظم)، (پویایی-سکون)، (خلوت-شلوغ)، (می پسندم-نمی پسندم)
مؤلفه ۲	نظام حرکت و دسترسی	(منظم-نامنظم)، (پویایی-سکون)، (خلوت-شلوغ)، (می پسندم-نمی پسندم)
مؤلفه ۳	نظام فرم کالبدی	(محدود-وسیع)، (منظم-نامنظم)، (گسسته-تداوم یافته)، (می پسندم-نمی پسندم)
مؤلفه ۴	نظام استخوانبندی عرصه همگانی	(تکرار-تنوع)، (پویایی-سکون)، (هیجان-آرامش)، (پیچیده-ساده)، (افسرده-دلباز)، (می پسندم-نمی پسندم)
مؤلفه ۵	نظام منظر شهری	(زیبا-زشت)، (منظم-نامنظم)، (گسسته-تداوم یافته)، (تکرار-تنوع)، (می پسندم-نمی پسندم)
مؤلفه ۶	نظام زیست محیطی	(زیبا-زشت)، (دلباز-افسرده)، (پویایی-سکون)، (تکرار-تنوع)، (می پسندم-نمی پسندم)

(P-VALUE<0/05)

جدول ۴: نتایج آزمون من- ویتنی برای شش مؤلفه و در حالت کلی (مجموع کل مؤلفه ها) فضاها

کل (۶ مؤلفه)	مؤلفه ۶	مؤلفه ۵	مؤلفه ۴	مؤلفه ۳	مؤلفه ۲	مؤلفه ۱
۳۵۰/۰۰۰	۲۱۰/۰۰۰	۴۰۵/۰۰۰	۴۷۵/۰۰۰	۴۴۰/۰۰۰	۸۱۰/۰۰۰	۶۵۵/۰۰۰
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰
۸۰۰/۰۰۰	۱۰۰۰/۰۰۰	۷۵۰/۰۰۰	۹۰۰/۰۰۰	۷۰۰/۰۰۰	۱۰۵۰/۰۰۰	۱۱۵۰/۰۰۰
۰/۰۰۲	۰/۰۷۹	۰/۰۰۰	۰/۰۱۵	۰/۰۰۰	۰/۱۵۰	۰/۴۵۸
۱۰۰۰/۰۰۰	۱۱۵۰/۰۰۰	۱۱۵۰/۰۰۰	۹۵۰/۰۰۰	۸۰۰/۰۰۰	۱۰۰۰/۰۰۰	۱۰۵۰/۰۰۰
۰/۰۸۳	۰/۴۷۶	۰/۴۸۶	۰/۰۳۶	۰/۰۰۲	۰/۰۸۰	۰/۱۵۱
۱۰۰۰/۰۰۰	۱۰۰۰/۰۰۰	۹۰۰/۰۰۰	۱۰۰۰/۰۰۰	۷۰۰/۰۰۰	۱۱۰۰/۰۰۰	۱۰۰۰/۰۰۰
۰/۰۸۳	۰/۰۸۳	۰/۰۱۵	۰/۰۷۸	۰/۰۰۰	۰/۲۹۳	۰/۰۸۱
۸۰۰/۰۰۰	۶۰۰/۰۰۰	۷۵۰/۰۰۰	۸۰۰/۰۰۰	۹۵۰/۰۰۰	۸۵۰/۰۰۰	۷۰۰/۰۰۰
۰/۰۰۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۲	۰/۰۳۴	۰/۰۰۵	۰/۰۰۰
۱۲۳۰/۰۰۰	۱۱۹۵/۰۰۰	۱۱۷۰/۰۰۰	۹۲۵/۰۰۰	۱۱۵۵/۰۰۰	۹۷۵/۰۰۰	۱۰۵۵/۰۰۰
۰/۸۹۰	۰/۷۰۱	۰/۵۸۰	۰/۰۲۵	۰/۵۰۸	۰/۰۵۶	۰/۱۷۷

(P-VALUE<0/05)

معنای یک فضای شهری، معنایی است که از ترکیب معنای ۶ مؤلفه حاصل می‌شود. همانطور که در جدول ۴ دیده می‌شود، مشابه نتایجی که از آمار توصیفی به دست آمد، اختلاف مشاهده شده بین میانگین هر ۶ مؤلفه، در فضاهای اول، دوم و پنجم بین مسلمانان و یهودیان معنادار است. این اختلاف در مورد فضاهای سوم و چهارم معنادار نیست، اختلاف میانگین هر ۶ مؤلفه، در مجموع ۵ فضا معنادار نیست، که نشان از اختلاف معنای ادراک شده از فضاهای اول، دوم و پنجم بین دو گروه و توافق دو گروه در خصوص معنای ادراک شده از فضاهای سوم، چهارم و کل محور دارد.

۵. نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که معنای دریافت شده از فضاهای شهری که می‌تواند از سطح ابتدایی تا کارکردی و ابزاری، ارزشی و نمادین دسته بندی شود، متأثر از ذهن استفاده‌کنندگان و فضای شهری است.

- فضای شهری در ترکیبی از نظام منظر، نظام کاربری و فعالیت، نظام حرکت و دسترسی، نظام فرم کالبدی، نظام استخوان بندی فضای همگانی و نظام زیست محیط تبلور می‌یابد، که در نهایت مجموع معنای هریک از آن‌هاست که معنای ادراک شده از یک فضای شهری را به دست می‌دهد. در پژوهش میدانی انجام شده، از طریق ترکیب معنای نظام‌ها، به این نتیجه رسیدیم که ادراک معنای محور دوم جوپاره اصفهان در حالت کلی (مجموع جزء فضاها) متأثر از دین ساکنان نیست، اما در مورد جزء فضاها تأثیر مؤلفه دین بر معنای ادراک شده، قابل توجه است.

- ذهن کاربران، که در این پژوهش با عنوان اسکیمای آن یاد شد، در مؤلفه‌هایی چون دین نمود دارد. همانطور که در مورد محور دوم جوپاره به دست آمد معنای ادراک شده در دو گروه یهودی و مسلمان اختلافاتی داشت، طیف یهودی به کانون‌هایی متعلق به اجتماع یهودیان مانند کنیسه، توجه داشتند و غالباً معنای فضای شهری را با کلماتی چون پویا، زشت و تکراری بیان نمودند. مسلمانان به مکان‌هایی برای تعاملات اجتماعی مثل بازار، گذران اوقات فراغت مثل پارک، علاقه داشتند و محور دوم جوپاره را فضایی دارای احساس سکون، زیبا و متنوع، ادراک نمودند.

آنچه در خصوص مقایسه معنای ادراک شده در دو طیف ساکن در جوپاره اصفهان آمد، متمرکز بر اختلاف دین ساکنان بود که نشان از تفاوت معنای دریافت شده در دانه‌های ارزشمند تاریخی یهودیان و فضاهای شهری چون پارک و بازار داشت. از آن جا که اسکیمای مطرح شده، می‌تواند در مؤلفه‌هایی دیگر، نظیر فرهنگ، خاطرات گذشته و غیره تبلور یابد، راه برای پژوهش‌های آتی در حوزه سایر وجوه این رویکرد هموار است.

پی‌نوشت

1. Aspects of Design

2. Functional Differentiation

3. Place Objectives

4. Scale of Interaction

۵. اسکیمای شبکه‌ای از اطلاعات است که کارکرد آن‌ها، سازماندهی دانش یا تجربیات فردی است. چارچوب‌هایی که در حافظه بلند مدت، از طریق تشخیص فرد از شباهت‌ها و تکرار در تجربیات اجتماعی و اخلاقی آن فرد شکل می‌گیرند، نیز اسکیمای هستند که بیشتر از طریق تحصیلات و تجربیات اجتماعی حاصل می‌شوند (Leilani et al., 2003).

6. Locale

7. Location

8. Sense of Place

9. Representational Meaning

10. Responsive Meaning

11. Presentational Meaning

12. Referential Meaning

13. Affective Meaning

14. Evaluative Meaning

15. Prescriptive Meaning
16. In-place Technique
17. Semantic Differential
18. Bi- Polar Adjective Checklist
19. Man-witney
20. Ex-post facto Research
21. Osgood, C., Suci, G., Tannenbaum, P.
22. Likert Scale

۲۳. فرمول ۱: محاسبه حجم نمونه:

$$n = \frac{Z_{\alpha/2}^2 \delta^2}{e^2}$$

مأخذ: (Bazargan et al., 1998, p. 187)

24. Mental Map

References

- Agnew, J. A. (1987). *Place and Politics: The Geographical Mediation of State and Society*. Boston: Allen & Anwin.
- Bar-ture, L., Savaya, R., & Prager, E. (2001). Sources of Meaning in Life for Young and Old Israeli Jews and Arabs, *Journal of Aging Studies*, 15, 253-269.
- Bazargan, A., Sarmad, Z. & Hejazi, E. (1998). *Research Methods in the Behavioral Sciences*. Tehran: Agah Press.
- Canter, D. (1977). *The Psychology of Place*, London: Architectural Press.
- Canter, D. (1997). The Facets of Place. In G. T. Moore & R. W. Marans (Ed.), *Toward the Integration of Theory, Methods, Research, and Utilization* (pp. 109-147). Springer US.
- Canter, D. (2000). Seven Assumptions for an Investigative Environmental Psychology, In S. Wapner, J. Demick, C.T. Yamamoto & H. Minami (Ed.), *Theoretical Perspective in Environment-behavior Research* (pp. 191-206). Springer US.
- Gustafson, P. (2001). Meaning of Place: Everyday Experience and Theoretical Conceptualizations, *Journal of Environmental Psychology*, (21), 5-16.
- Habib, F. (2006). Challenge in the Meaning of Urban Form. *HONAR-HA-YE-ZIBA*, 25, 5-14.
- Hershberger, R. G. (1970). Architecture and Meaning, *Journal of Aesthetic Education*, 4(4), 37-55.
- Jabareen, Y. (2009). Ethnic Groups and the Meaning of Urban Place: The German Colony and Palestinians and Jews in Haifa, *Cities*, (26), 93-102.
- Lang, J. T. (2011). *Creating Architectural Theory: The Role of the Behavioral Sciences in Environmental Design*. (A. Einifar, Trans.), Tehran: Tehran University Press.
- Leilani, E., Tonia, B., & Darcia, N. (2003). Moral Reasoning, Intercultural Development and Multi-cultural Experiences: Relations and Cognitive Underpinning, *International Journal of Intercultural Relations*, 27(4), 403-419.
- Manzo, L. C. (2005). For Better or Worse: Exploring Multiple Dimensions of Place Meaning, *Journal of Environmental Psychology*, (25), 67-86.
- Momeni, M., Beik Mohammadi, H., & Mahdizade, Z. (2011). Analysis of the Designs of Reconstruction and Renovation of Reteriorated Textures, Case Study: Isfahan Jooybare neighborhood. *Urban-regional Studies and Research Journal*, (7), 31-52.
- Neisser, U. (1977). *Cognition and Reality*. San Francisco: Freeman.
- Relph, E. (1976). *Place and Placeness*. London: Pion Limited.
- Renovation and Rehabilitation Organization of Isfahan. (2000). *The Report of the Tourism Axis of Joubareh*.
- Rezazadeh, R. (2004). The Role of Architecture in Revealing Meanings and Concepts Mosque Architecture: Traditional or Innovative? *HONAR-HA-YE-ZIBA*, (18), 37-48.
- Tuan, Y. F. (1977). *Space and Place: The Perspective of Experience*. London: Edward Arnold.